

سیره تقریبی فقهای ساکن در عتبات عالیات

عبدالرحیم اباذری

چکیده

علما و فقهای شیعه ساکن در عراق - اعم از حوزه نجف، کربلا، حله، سامرا و کاظمین - در طول تاریخ در جهت اتحاد پیروان و تقریب مذاهب، نقش تعیین کننده داشته‌اند. این موضوع را در ابعاد گوناگون می‌توان مورد تأمل و بررسی قرار داد. در این نوشتار به سیر تاریخی فعالیت‌های تقریبی علما و فقهای عتبات عالیات در دو محور «شاگردی - استادی» و «صدور یا اخذ اجازه نقل حدیث» تمرکز و بسنده شده است. همان‌طور که از لابه‌لای کتب تاریخی، رجالی و حدیثی برمی‌آید، فقهای فریقین در عتبات عالیات با الهام از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، همواره در کنار هم بودند و از محضر علمی یکدیگر در فقه، اصول، حدیث و... بهره‌مند شدند و برای هم اجازه روایی و نقل حدیث صادر کردند که متن این اجازه‌نامه‌ها در کتب حدیثی، تاریخی و رجالی موجود است. جالب است که این وضعیت، تقریباً از آغاز غیبت کبرا تا به امروز با شدت و ضعف ادامه داشته است؛ اگر چه در بعضی مقاطع به خاطر دسیسه‌های دشمنان کم‌رنگ شده است. **کلید واژه:** فقهای فریقین، وحدت، اختلاف، اجازه روایی، حوزه نجف، فقهای عتبات.

از صدر اسلام، ارزش و اهمیت وحدت امت اسلامی همواره مورد توجه و تأکید پیامبر ﷺ و امامان معصومین بوده است؛ کتاب آسمانی قرآن مسلمانان را دعوت کرد تا به ریسمان خدا جنگ بزنند و پراکنده نشوند: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾. (آل عمران: ۱۰۳) از سوی دیگر، تفرقه و اختلاف را منفور شمرده و در ردیف عذاب‌های آسمانی قرار داده و می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ﴾، (انعام: ۶۵) «بگو او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را به هم بیامیزد و طعم جنگ و اختلاف را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند!»

از طرفی قرآن به اختلاف‌افکنان هشدار می‌دهد و خطاب به آنان می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ﴾؛ (انعام: ۱۵۹) «کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌های گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست.»

در آیه‌ای دیگر اختلاف و پراکندگی را یکی از علائم «شُرک» برمی‌شمارد: ﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلٌّ حِزْبٌ بِمَا لَدَيْهِمْ فِرْحُونَ﴾؛ (روم: ۳۱ و ۳۲) «و از مشرکان نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست وابسته و خوشحالند!»

چنانکه امیر مؤمنان علیؑ بر این اصل تأکید دارد و می‌فرماید: «فإن يد الله على الجماعة و اياكم و الفرقة فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب»؛ (نهج البلاغه، خ ۱۲۷) «دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بپرهیزید؛ زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است؛ همان‌گونه که گوسفند از گله جدا افتد، طعمه گرگ شود.»

علما و فقهای فریقین با توجه به همین فضای فرهنگی و تربیت ناب اسلامی که از کتاب

خدا و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت  سرچشمه گرفته می‌شد در طول تاریخ همواره در کنار هم و شاگرد و استاد هم بودند و از هم بهره می‌گرفتند که در این مقاله به سیر تاریخی و روند چگونگی این ارتباط در حد توان و اطلاع پرداخته شده است.

ارتباط در عصر حضور

در حوزه درسی امام جعفر صادق علیه السلام علاوه بر اصحاب و شیعیان، شخصیت‌های غیر شیعه زیادی با گرایش‌های مختلف دینی و مذهبی در رشته‌های گوناگون حضور داشتند و با آن حضرت و اصحابش ارتباط علمی و حدیثی برقرار می‌کردند.

در این میان، حضور جمعی از بزرگان اهل سنت که بعضی شخصیت فقهی و کلامی به شمار می‌آمدند و تعدادی نیز در ردیف رهبران و پیشوایان مذاهب اربعه شمرده می‌شوند، قابل توجه است. به علاوه تعداد زیادی از محدثان اهل سنت را شاهد هستیم که در سلسله سند احادیث قرار دارند که از امام صادق علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام حدیث روایت کردند. (عمیف البعلبکی، ۱۹۶۹م، ص ۱۹۳) چنانکه صاحبان صحاح، بخاری، ترمذی، مسلم، نسائی، ابن ماجه ابی داود، احمد و صاحبان سنن، مسانید، جوامع و معاجم اهل سنت آنها را در سلسله اسناد آوردند. به علاوه در منابع شیعی نیز به اسامی و زندگی‌نامه بعضی آنان مانند: ابن جریج، یحیی بن سعید انصاری، سفیان بن عیینه، سفیان بن سعید ثوری، محمد بن اسحاق بن یسار صاحب مغازی، ابوسعید بن یحیی بن سعید قطان انصاری، شعبه بن حجاج ازدی، ایوب بن ابی تمیمه سجستانی، واصل بن عطاء معتزلی و... اشاره شده است. (حکیم و همکاران، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۹-۲۲)

از سوی دیگر دو تن از فقیهان برجسته معاصر، آیت‌الله سید مهدی روحانی و آیت‌الله علی احمدی میانجی، این شخصیت‌ها را استخراج کردند و با این نگاه و گرایش یک دوره کامل اثر فقهی تألیف کردند که یک جلد آن با نام فقه الشیعه من طرق اهل السنه چند سال پیش به مرحله چاپ رسید و در اختیار علاقمندان قرار گرفت و جلد‌های بعدی هم در دست چاپ است.

همه این رخدادهای بهترین و محکم‌ترین شاهد بر این واقعیت و حقیقت تاریخی است که فقها و محدثان فریقین به هم اعتماد داشتند و از هم حدیث نقل می‌کردند و ارتباطی مستمر داشتند. همین ارتباطها در دوران غیبت صغرا توسط نواب اربعه ساکن بغداد نیز برقرار بود و ادامه پیدا کرد که بجاست این مقطع و به صورت مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

الف) ارتباط شاگردی و استادی فقهای عتبات

در آغاز عصر غیبت کبرا همین روند با الهام از سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام ادامه یافت؛ چنان‌که علما و فقهای عتبات عالیات در این عرصه پیش‌ساز بودند که در این بخش به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. شیخ محمد بن یعقوب معروف به «شیخ کلینی» (متوفای ۳۲۹ق) از شخصیت‌های برجسته حدیثی و فقهی شیعه است که در بغداد حضور داشت و مورد اعتماد و مراجعه شیعه و اهل سنت بود و برادران اهل سنت در فتوا به وی مراجعه می‌کردند. به همین سبب به «ثقه الاسلام» یعنی مورد وثوق جامعه مسلمین - اعم از شیعه و سنی - شهرت یافت. (مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۷۹) علاوه بر اساتید شیعی محمد بن احمد جبار و علی بن ابراهیم بن عاصم از محدثان اهل سنت، اساتید وی بودند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۴۳۳) ابن اثیر در جامع الاصول و برادرش در الکامل فی التاریخ و ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان که از محدثان و مورخان اهل سنت هستند از مقام علمی، موقعیت و محبوبیت اجتماعی کلینی سخن گفتند. وی در بغداد چشم از جهان فرو بست و مرقد وی در محوطه مسجد آصفیه، در ساحل شرقی رود دجله (در مرکز بغداد) جنب مدرسه نظامیه (مستنصریه قدیم) قرار دارد.

۲. سید رضی متوفای ۴۰۶ قمری صاحب نهج البلاغه علاوه بر تحصیل نزد فقهای شیعه، از استادان غیر شیعی نیز مانند: محمد طبری مالکی، ابو عبدالله جرجانی فقیه حنفی، قاضی عبدالجبار شافعی معتزلی و اکفانی قاضی علم آموخت. درباره وی نوشته‌اند: چون مسئولیت قضاوت هم داشت مورد مراجعه پیروان همه مذاهب اربعه بود و با علمای آنها به بحث و گفت‌وگو می‌نشست. (جعفری، ۱۳۷۵ش، ص ۲۸-۳۲) این فقیه بزرگ از حوزه بغداد طلوع

کرد و در جوار حرم امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام به خاک سپرده شد.

۳. محمد بن محمد بن نعمان مشهور به «شیخ مفید» (متوفای ۴۱۳ق) متکلم و فقیه بزرگ امامیه و دارای آثار بسیار ارزشمند، با علمای اهل سنت مرادده علمی داشت و نزد حسین بن علی بصری معتزلی معروف به «جُعَل» و ابویاسر ظاهر علم کلام آموخت. او همچنین به پیشنهاد ابویاسر در مجلس درس علی بن عیسی رمانی دانشمند معروف معتزلی شرکت کرد. بنا بر نقلی لقب «مفید» را این استاد به وی عطا نمود. مجلس وی با حضور علمای اهل سنت رونق داشت و مناظره‌اش با ابابکر باقلانی عالم اهل سنت مشهور است. وقتی شیخ مفید رحلت کرد در تشییع جنازه‌اش انبوه جماعت شیعه و سنی حضور یافتند و در عزایش گریه کردند. (قمی، بی تا، ص ۶۳۱؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۴۲۰-۴۲۲ و ۴۲۳) او در منطقه عُبَکَبَری در حومه بغداد متولد و در حوزه این شهر پرورش یافت و در نهایت پیکرش در شهر کاظمین جنب حرم امامین علیهما السلام آرام گرفت.

۴. ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب سَرَوی مازندرانی معروف به «رشید الدین» (متوفای ۵۸۸ق) از عالمان بزرگ و معروف شیعه است. ابن شهر آشوب علاوه بر استادان شیعی در محضر تنی چند از علمای اهل سنت نیز تحصیل کرده است که مشهورترین آنها عبارتند از: ابو عبدالله محمد بن احمد نظری (نطنزی)، مؤلف کتاب الخصائص العلویة علی سائر البریة (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۹) و جلاله زمخشری معتزلی که ابن شهر آشوب نزد او کتاب تفسیر کشاف و ربیع الابرار و الفایق فی غریب الحدیث را که همه از تألیفات خود زمخشری است، خوانده و از این استاد اجازه نقل روایات آن کتاب‌ها را نیز گرفته است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، مقدمه، ص ۸) معروف‌ترین اثر وی مناقب آل ابی طالب است که در این کتاب، طرق خود را در نقل احادیث از کتاب‌های مختلف - به خصوص از منابع حدیثی اهل سنت - ذکر کرده است. وی متولد مازندران است؛ اگرچه برخی محل تولد او را بغداد دانسته‌اند. آنچه مسلم است اینکه وی چند سالی در بغداد ساکن بود، سپس به شهر حله رفت و در حوزه آنجا تدریس کرد و از ابن ادریس حلی و ابن بطریق حدیث شنید.

۵. ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی مشهور به «خواجه نصیرالدین طوسی» (متوفای ۶۵۳ در بغداد) فقیه، فیلسوف و متکلم شیعی در عصر خویش با علمای سنی مذهب ارتباط مستمر داشت. کتاب قانون ابن سینا را نزد قطب الدین مصری شافعی و چند نفر دیگر آموخت. (قمی، بی تا، ص ۶۰۵) کمال الدین عبدالرزاق شیبانی بغدادی معروف به ابن فوطی، (متوفای ۷۲۳ق) که حنبلی مذهب بود، از شاگردان خواجه به شمار می آید. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۱۶۸) در تاریخ آمده است: وقتی شهر دارالسلام (بغداد) تصرف، غارت و ساکنان آنجا قتل عام می شدند در این هنگام عزالدین بن ابی الحدید صاحب شرح نهج البلاغه و برادرش موفق الدین را دستگیر و زندانی کرده بودند؛ خواجه نصیر زمینہ آزادی آن دو عالم سنی مذهب را فراهم آورد و مانع از قتل آن دو شد. (قمی، بی تا، ص ۶۰۹) خواجه نصیر در اواخر عمر در بغداد حضور داشت و در آنجا چشم از جهان فرو بست و بنا به وصیتش در حرم کاظمین به خاک سپرده شد.

ب) اجازات و توثیقات علمای عتبات عالیات

علماء، محدثان و فقهای عتبات در آغاز دوران غیبت، علاوه بر بحث‌های علمی، استاد و شاگردی با علمای و فقهای اهل سنت، اجازه‌نامه‌های روایی و نقل حدیث به هم می دادند که در نوبه خود حائز اهمیت است و جای تجزیه و تحلیل دارد.

۱. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) در اجازه کبیره خود به بنی زهره حلی، نقل کتب حدیثی برخی علمای سنی از جمله: کتاب شیخ فاروق واسطی، شیخ تقی الدین عبدالله بن جعفر کوفی حنفی، شیخ فخرالدین محمد بن خطیب شافعی، افضل الدین خونجی شافعی، فقیه شافعی ابو عبدالله محمد بن سلامه القضاعی المعری، مسند احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی)، مسند صحیح بخاری، موطأ مالک بن انس، کتاب النکت علی بن عیسی رمانی، سنن ابی داود، سنن بیهقی، مسند شافعی، مسند ابن عدی، مسند ابی یعلی موصلی را به بنی زهره تجویز کرده است و در سلسله مشایخ خود از عالمان سنی مذهب از جمله: ابی الفتح سلیمان بن ایوب رازی شافعی، ابی المکارم ناصر بن ابی المکارم مطرزی حنفی، ابی المؤید موفق بن احمد حنفی و...

نام برده است. (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۴، ص ۶۰-۱۳۸؛ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۶)

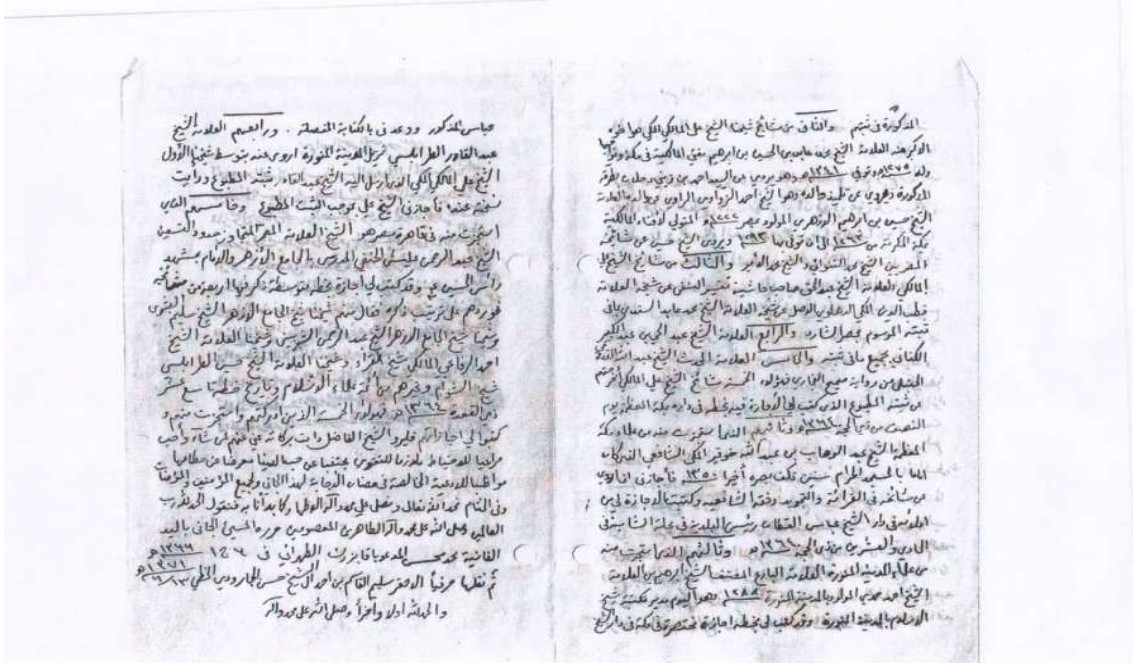
۲. شهید اول محمد بن جمال الدین مکی العاملی الجزینی (شهادت ۷۸۶ق) از جمله فقهای شیعه است که با علمای اهل سنت رفت و آمد داشت و اغلب علمای اهل سنت به حضورش می‌شتافتند. (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۶۲) او در یکی از اجازة‌های نقل حدیث خود متعلق به زین الدین ابوالحسن علی، معروف به «ابن الخازن» از علمای شیعه می‌نویسد: «من از حدود چهل تن از بزرگان علما و مشایخ اهل سنت در مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق، بیت المقدس و مقام ابراهیم خلیل علیه السلام که با آنها دیدار کردم، روایت نقل می‌کنم.» (قمی، بی تا، ج ۱، ص ۷۲۱)

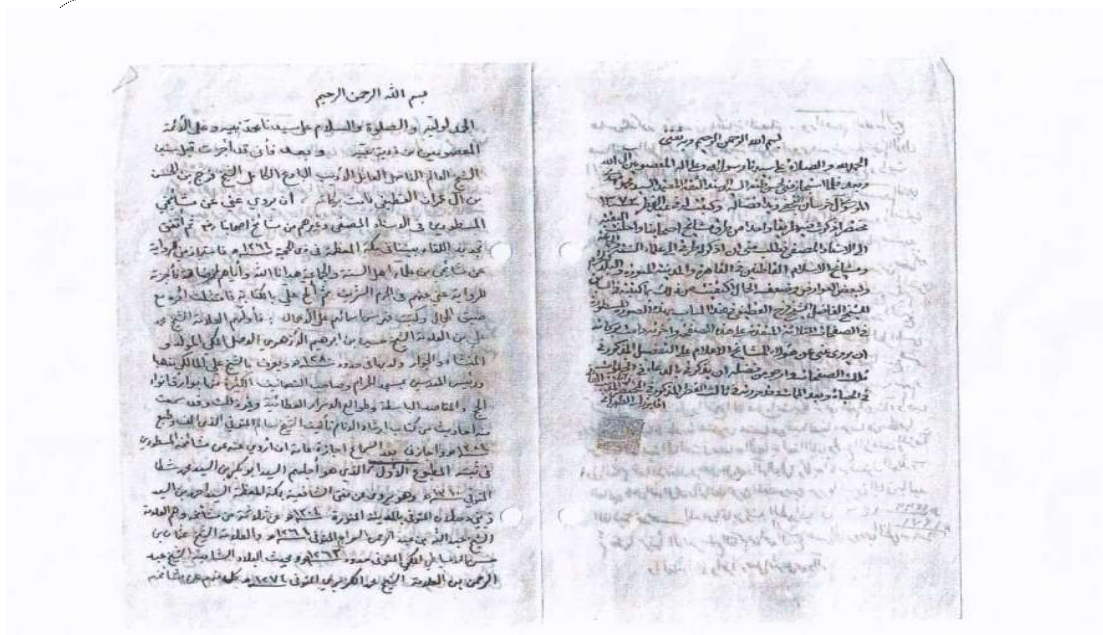
از سوی دیگر شهید اول در اجازة مفصلی به شیخ شمس الدین ابی جعفر، از علمای شیعه، نام کتاب‌های مهم علمای سنی و اسامی بعضی مشایخ سنی مذهب خود را ذکر کرده و اجازة نقل از آنها و احادیث کتاب آنها را به وی صادر می‌کند. (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۴، ص ۱۹۹-۲۰۴) به گفته سید سلمان آل طعمه از پژوهشگران پرتلاش عتبات، شهید اول یک سالی در کربلا ساکن بود و در مسجدی تدریس داشته و نماز می‌خواند که امروز به «جامع الشهد الاول» معروف است. این محل در یکی از کوچه‌های خیابان صدر، روبه‌روی مطبوعاتی اعلمی واقع است. وقف این مسجد در سال ۷۵۱ قمری انجام گرفته است.

۳. سید محمد مهدی طباطبایی معروف، «بحرالعلوم» (متوفای ۱۲۱۲ق) از فقهای مورد احترام شیعه که مشهور است به محضر امام زمان / تشریف یافته است. (شیخ عباس قمی، بی تا، ص ۶۸۲) چند مدتی در مکه ساکن شد و با علمای آن دیار ارتباط داشت. در این مدت براساس فقه مذاهب اربعه تدریس می‌کرد و پیروان همه مذاهب به خدمتش می‌رسیدند و بهره می‌بردند. برخوردهایش به گونه‌ای بود که همه او را از آن مذهب خود می‌پنداشتند. (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۵۹؛ شیخ عباس قمی، بی تا، ص ۶۷۷) چنان‌که نوشته‌اند در اثر این مراوده‌ها یکی از امام‌های جمعه بیت‌الله الحرام شیعه شد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۲۳۰؛ مکارم الآثار، ج ۱، ص ۴۱۷)

این فقیه بزرگ از مشایخ اجازات به شمار می آید و در کتاب اجازات که به قلم خود نگاشته است از سلسله مشایخ شیعه و سنی خبر می دهد. (کتاب شیعه، ۱۳۹۲ ش، ج ۷ و ۸، ص ۴۰۹) وی در کربلا و در اواخر عمر در نجف ساکن شد و در آنجا رحلت کرد و در جوار حرم علوی آرام گرفت.

۴. شیخ محمد محسن منزوی، معروف به «آغا بزرگ تهرانی» (متوفای ۱۳۴۸ ش) از بزرگان علمای حوزه نجف، صاحب کتاب ارزشمند الذریعة الی تصانیف الشیعه و چند اثر مهم دیگر و از جمله مشایخ برجسته روایی به شمار می آید که از طرق مختلف از فقهای شیعه و اهل سنت نقل می کند و از آنها اجازه نقل حدیث دارد. این دانشمند شیعه در یکی از اجازه نامه هایی که به شیخ فرج بن حسن آل عمران قطیفی به دست خط خویش نوشته، در آن از مشایخ اهل سنت خود به تفصیل نام برده است؛ از جمله عبارتند از:





۱. علامه شیخ محمدعلی بن ابراهیم ازهری مالکی (متولد ۱۲۸۰ق در مکه) رئیس مدرسین

مسجدالحرام؛

۲. شیخ عبدالوهاب بن عبدالله مکی و شافعی و امام جماعت مسجدالحرام؛

۳. شیخ ابراهیم بن احمد (متولد ۱۲۸۸ق مدینه) مدیر کتابخانه شیخ الاسلام در مدینه؛

۴. شیخ عبدالقادر طرابلسی که از طریق شیخ علی مالکی به او اجازه داده است؛

۵. شیخ عبدالرحمن علیش حنفی.

شیخ آغا بزرگ در این اجازه سه صفحه‌ای، ذیل هر کدام از این مشایخ به معرفی مختصر

آنها پرداخته و به طرق و مشایخ اجازات‌شان نیز اشاره کرده است که در نوع خود قابل تأمل،

تجزیه و تحلیل است.

مشایخ اجازات وی از طرق فقهای شیعه، میرزا حسین نوری، شیخ علی کاشف الغطاء، سیدحسن صدر، سیدابوتراب خوانساری و چند نفر دیگر است؛ چنان که خود نیز مشایخ اجازه حضرات آیات: سید حسین بروجردی، سیدعبدالحسین شرف‌الدین، سیدعبدالهادی شیرازی، علامه امینی، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، میرزا مسلم ملکوتی و تعدادی دیگر به شمار می‌آید.

۵. آیت الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۳۶۹ش) تربیت‌یافته حوزه نجف و بغداد و از ولایی‌ترین مراجع معاصر، بیشترین مراد و ارتباط علمی و حدیثی را با علمای مذاهب اهل سنت داشته است و می‌توان او را از پیشگامان عرصه تقریب دوران معاصر نامید. وی از همان آغاز تحصیل در نجف با حضور در جلسات درس علمای بزرگ اهل سنت از مذاهب اربعه و دیگر فرق اسلامی در عراق و جاهای دیگر به شکل واقعی در راه تفاهم و نزدیک‌سازی قلوب علمای مذاهب تلاش کرد. در جلسه درسی علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (زنده ۱۳۵۶ق)، علامه سیدابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفای ۱۳۶۵ق)، علامه شیخ نورالدین شافعی، علامه سیدعبدالوهاب افندی حنفی و علامه سیدعلی خطیب در نجف اشرف حاضر شد و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد. (محمود مرعشی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۹)

این مرجع بزرگ از ۵۶ نفر از شخصیت‌های معتبر اهل سنت، اعم از شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی و... و هفده نفر از علمای زیدی اجازه روایی گرفته که اغلب آن در کتاب دو جلدی مسلسلات آمده که توسط سیدمحمود مرعشی تدوین و چاپ شده است. جلد اول، متن دستخط مجیزین است و جلد دوم شامل زندگی‌نامه اجازه‌دهندگان می‌شود. از سوی دیگر به ۴۶ نفر از علمای اهل سنت اجازه روایی داده است. در کتاب الاجازات الکبیره که آیت الله مرعشی نجفی به فرزند صالح‌شان آقا سیدمحمود مرعشی نوشته از این مشایخ نام برده شده و در ذیل هر یکی معرفی شده‌اند. (سماعی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۰-۵۷۹) بعضی از این اجازات به صورت «مُدَبَّجَه» یعنی طرفین هر کدام طرق روایی مشایخ خود را در آن ذکر می‌کنند که

اسامی آنان در کتاب مرجع میراث‌بان آمده است. (محمود مرعشی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۲)
۶. از جمله شخصیت‌های علمی حوزه نجف که در سلسله اسناد اجازات روایی در طرق
علما، فقها و محدثان اهل سنت قرار دارد حضرت آیت‌الله سیدمحمد مهدی خراسان (ادام
الله ظلهم) است. معلوم می‌شود دایره تحقیقات این عالم پر تلاش فقط اختصاص به منابع
شیعی نداشته، بلکه فراتر از آن از طریق ارتباط با علمای اهل سنت از منابع حدیثی آنان هم
بهره‌برداری می‌کرده است.

این مشایخ عبارتند از: شیخ حماد بن محمد الانصاری ساکن مدینه، علامه سیدعلوی بن
عباس مالکی مکی، شیخ محمد ابی‌الیسر بن عابدین مفتی شام، شیخ حبیب بن محمد علوی
حضر می مالکی، شیخ مجد الدین مؤیدی یمانی، شیخ محمد صالح بن احمد خطیب قادری
دمشقی و سید بن حمزه نقیب شامی که در متن اجازه‌نامه برخی از آنان به تاریخ و مکان اجازه
نیز اشاره شده است.

الاجازة

الحمد لله الذي رفع لمن وقف بابه قدراً ، وأعلى لمن انتسب
لمرير جنابه ذكراً ، والصلاة والسلام على سيدنا محمد الذي جرى
الماء النير من بين اصبه وبنانه ، وتفجرت بنايع الحكمة من قلبه
ولسانه ، وعلى آله الأطهار وصحابه الأخيار . آمين

وبعد فإن اخي حقاً ومحبي في الله صدقاً المولى **ذممهدي رحمه الله**
قد أحسن ظنه بي فطلبني ان أجيزه في جميع مروياتي عن مشائخي **الموسوي**
مع أنني لست بأهل ان أجاز فكيف بأن أجيز ولكن الخفائق قد **الخزسان**
أخني تنحّض ولكن نزولاً عند رغبته وإجابة لطلبه وخروجاً عن إثم
كتم العلم أقول : إنني قد اجزت الأخ المذكور في كل ما تجوز لي
روايته من معقول ومنقول وفروع وأصول كما اجازني بذلك اشياخي
الفحول ، وأوصبه ونفسي بتقوى الله في السر والعلن فانها مفتاح
العلم وطريق السعادة ، وان يجاهد ويجهد في طلب العلم وتحصيل
الفوائد منها ببلغ مقامه وان يداوم على المذاكرة والتعليم والارشاد
فانها وظيفة الأنبياء عليهم افضل الصلاة والسلام وان يقول الحق
ولو كان مرأ وان ينصح لآخوانه المسلمين وان يتثبت في نقل العلم
والافتاء ، وان يقول فيما لا يعلم : الله اعلم فانها نصف العلم .
وقفنا الله لا يجبه ورضاه ، والحمد لله رب العالمين .

علوي بن السبر عباس المالكي المكي الحسيني

عصر الجمعة ١٤ ذية المحرم ١٣٨٩
١٣٨٩

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله تعالى وسلم على سيدنا محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وعلى آله
وصحبه أجمعين .

أما بعد فإن أصدق الحديث وكلام الله - وخير الهدى ما سنه رسول الله صلى الله عليه وسلم . وأني أختار
من الكلام استهلاله بحديث الرحمة الذي أكثر العلماء الاقدمون الاستفتاح به تبعنا بعموم رحمة الله سبحانه
وعلا بالأولية الحقيقية في رواية الاحاديث النبوية فأقول :

حدثني به والدي المرحوم أبو الخير عابدين مفتي سورية الأسبق . قال حدثني به والدي أحمد عابدين قال
حدثني عمي العلامة محمد أمين بن عمر عابدين . قال حدثني شقيقي الشيخ شاكربن عمر العقاد . قال حدثني
شيخنا المعمر المكارف الشيخ عبد الغني النابلسي ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثني الشيخ عبد الباقي
الحنبلي ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثني شقيقي المعمر الشيخ عبد الرحمن البهوتي الحنبلي ، وهو
أول حديث سمعته منه . قال حدثني الشيخ جمال الدين يوسف الانصاري ، وهو أول حديث سمعته منه . قال
حدثني والدي القاضي زكريا ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثني أبو الفضل أحمد بن حنبل حنبل
المصقلاني ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثني زين الدين عبد الرحيم بن الحسين العراقي . قال حدثني
به أبو الفتح اليميني ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثني النجيب أبو الفتح عبد اللطيف بن عبد المنعم
الحراني ، وهو أول حديث سمعته منه . قال حدثنا الحافظ أبو الفتح بن الجوزي ، وهو أول حديث سمعته منه .
قال حدثنا أبو سعيد اسماعيل النيسابوري ، وهو أول . قال حدثنا به والدي أبو صالح أحمد ، وهو أول . قال
حدثنا به أبو الطاهر محمد بن محمد الزياتي ، وهو أول . قال حدثنا به أبو حامد أحمد بن محمد البرزنجي ، وهو
أول . قال حدثنا عبد الرحمن بن بشر النيسابوري ، وهو أول . قال حدثنا به سفيان بن عيينه ، وهو أول . قال
عن عمرو بن دينار عن أبي قايوس مولى عبد الله بن عمرو بن العاص عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله تعالى
عنهما ، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال : " الراحمون يرحمهم الرحمن تبارك وتعالى ، ارحموا من في الارض
يرحمكم من في السماء " .

والتزييه موجود في بعض الروايات ، ورواية يرحمكم بالرفع على أنها جملة دعائية مستأنفة ، وبالجزم على أنها
جواب الإبر ، وكلاهما صحيح لكن الأول ، أبلغ ، والتسلسل إنما هو لآب عينة فقط . وقد روى هذا الحديث البزار
في تصنيفه الصحيح والادب المفرد ، وأحمد والحميدي في مسنديهما ، والبيهقي في الشعب ، وأبو داود في سننه
والترمذي ، وقال حسن صحيح ، والحاكم في مستدركه وصححه وهو كذلك بما له من المتابعات والشواهد . وذكر
الشيخ أيوب أنه له شواهد عن ثمانية عشر من الصحابة ، وقال العراقي هذا حديث حسن ورواه يحتج بهم فسي
الصحيح اهـ . وقد ضمنه الحافظ بن حجر المصقلاني قال :

أن من يرحم أهل الارض قد أن من يرحمه من في السماء
فأرحم الخلق جميعا انما يرحم الرحمن منسا الرحما

وذكر العلامة ابن عابدين في بيته عن العارف النياس الكوراني الاحاديث الصلصلة بالأولية ثلاثة : - أحدها
حديث الرحمة المذكور المشهور عن عبد الله بن عمرو بن العاص . - وثانيها حديث أنس بن مالك رضي الله عنه
أنه قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : " من أحب أن يكثر خير بيته فليؤلفه إذا حضر غدا ، وإذا
رفع " . رواه ابن ماجه . - وثالثها حديث عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم : " يجمع الله العلماء يوم القيمة فيقول : أي لم أجعل حكمتي في قلوبكم إلا وأنا أريد بكم الخير أذهبوا
إلى الجنة "

الى الجنة فقد غفرت لكم على ما كان منكم . رواه الامام أبو حنيفة في مسنده انتهى .
ولهذا الحديث شاهد رواه الحافظ أبو القاسم الطبراني عن ثعلبة بن الحكم قال : قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم " يقول الله تعالى للمعلم يوم القيمة اذا قعد على كرسيه لقضاء عباده اني لم اجعل علمي وكتبي
فيكم الا وانما اريد ان اغفر لكم على ما كان منكم ولا ابالي " . مستند جيد كما في ابن كثير في تفسيره اول سورة
طه .

وقوله صلى الله عليه وسلم اذا قعد على كرسيه لقضاء عباده من المتشابه الذي يجب تفويض علمه اليه تعالى
كما في غيره من المتشابهات كما هو مذهب السلف او تأويله بما يليق بالذات العلية كما هو مذهب الخلف .
وهذا النوع من المتشابه الذي له امثال في الكتاب العزيز يجب رد علمه اليه تعالى او تأويله بما لا يخالف
الحكم لوجوب تزيه الله تعالى من اوصاف الحدوث كقوله تعالى يد الله فوق ايديهم والرحمن على العرش استوى
وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة ويصفي وجه ربك ذو الجلال والاكرام ايضا تولوا وهم وجه الله انك يا عينا .
وامثال ذلك .

وهذا القسم من المتشابه غير القسم الذي لا يرجى بدوه اسلا كقطعات اوائل السور وحكم هذا القسم اعتقاد
حقيقة المراد به وتفويض علمه الى الله تعالى ولا يستبركوا قبل يوم القيمة وهو في غرضه كقول السامة . والله
تعالى اعلم . / .

الشيخ الهلب
محمود الوالد
عبد الحكيم
الشمس
٧٤٠١٢٦٩
٣٠٠٠
٣٠٠٠

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

والحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

واوصيه بما احبته الكتب المطولفة في اسما الرجال من صطلح الحديث
وضبط الارقاض المشككة في متو بلاصا ديث وايضا معانها
وشروح الامهات الست لاسيما فتح الباري فانها بحر من بحر وعباب زخار
وبالتفكير والمعاني النظر في معاني القران ومطالبا الحديث والتعبير عن
كل لفظ بقرانه العربي .

ورويته بتقوى الله تعالى في السور العظمى فانفقوا الله ملاك جميع الطاعات
واحذره من الاندفاع ومخالفة السنة ومخالفة الشريعة لسان القران
ويجب عليه التمسك والامتنان به وكرسه له في جميع خلقه في كل
يا تبه من كرمه وشكره والسكينة .
وارحمته اربابنا في مرصاح الدعوات في حيا في وعده ماني .

وربنا المكينها دبه محمد به محمد به حنة به المختار به محمد البشير من ربه
فتيس به سعة الاضراسي ولدت سنة ١٣٤٥ هـ في بلدة ناصية
في قرية الغريبة من بلاد مصر في ايامي مالي كما يقال اليوم .
والله اعلم وصلى الله وسلم على سيدنا محمد وآله وصحبه والتابعين لهم
بإحسان يوم الدين .



كتبت
عبد بن محمد الزهري

١٤٠٤

أحمدك وأشكره يا الله
 عدد ما في علمك هكذا أجزيت وأجازيت
 العلامة السيد محمد باقر الحلي
 و ١٣٥٠ جازيتي بروايته عن اساتذته
 اجازته عامة مشهورة ببركة الباريد
 عز وجل وكان اجازته شخصية وذلك
 في داره يوم الجمعة
 في دار العقدة
 الفقير محمد باقر الحلي
 تصدق به السيد محمد باقر الحلي
 تصدق به السيد محمد باقر الحلي

مشایخ شیعی آیت الله خراسان عبارتند از حضرات آیات: سیدعبدالهادی شیرازی، هبه‌الدین شهرستانی، میرزا حسن بجنوردی صاحب القواعد الفقهیه، آغابزرگ تهرانی، سیدعبدالاعلی سبزواری، سیدعلی موسوی خلخالی، سیدمرتضی موسوی خلخالی، سیدعلی بهبهانی، سیدعلی بهشتی، سیدمحمد روحانی و سیدمحمد صادق بحر العلوم. وی از آغابزرگ تهرانی اجازه روایی متعدد دارد که یکی از آنها از طریق علمای اهل سنت و جماعت است که پیش‌تر گذشت.

نقش فقهای متأخر و معاصر حوزه نجف

خوشبختانه در قرن‌های اخیر و دوران معاصر نیز همین سیره ادامه پیدا کرد و شاهد تلاش‌های تقریبی فقهای بزرگ و علمای سترگ حوزه علمیه نجف مانند حضرات آیات: شیخ جعفر کاشف الغطا (۱۲۲۸ق)، سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه (متوفای ۱۳۳۱ق)، سید عبدالحسین شرف الدین (۱۳۳۷ش)، شیخ عبدالکریم امام زنجانی (۱۳۴۷ش)، سیدعلی سیستانی (دامت برکاته) بودیم که ندای وحدت سر داده و پرچم صمیمیت بر دوش گرفتند و در مرحله عمل اقدامات بسیار ارزشمندی در جهت ارتباط طرفین، تألیف قلوب مسلمین و تقریب بین مذاهب انجام دادند.

نگارنده درباره فعالیت‌های تقریبی هر کدام از این شخصیت‌ها سلسله مقالاتی نوشته و در شماره‌های پیشین فصلنامه «فرهنگ زیارت» چاپ و منتشر شده است و جهت اجتناب از اطاله مطلب، در اینجا آورده نمی‌شود و تنها از باب حسن ختام مقاله به چند مورد کوتاه بسنده می‌شود.

در شرح حال مرحوم صاحب اعیان الشیعه آمده است: وی در مدرسه علویه، که خود مؤسس آن بود، از استادان شیعه و سنی به طور مساوی استفاده می‌کرد؛ همواره مورد اعتماد و مراجعه اهل سنت بود تا جایی که جهت نماز میت و مسائل فقهی و شرعی به ایشان مراجعه می‌کردند. (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۴۱۱) روزی یکی از اهل سنت نزدش آمد و گفت: می‌خواهم شیعه شوم. سید گفت: فرقی میان شیعه و سنی نیست. هر وقت خواستی می‌توانی به نظرات مجتهدان شیعه عمل کنی. مرد سنی همچنان اصرار داشت او را شیعه کند. سید نگاه محبت‌آمیزی به او کرد و گفت: بگو «لا اله الا الله و محمد رسول الله» چون او شهادتین را بر زبان جاری کرد، سید فرمود: کفایت می‌کند تو اینک شیعه جعفری شدی. (۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۶۱۵) تا وقتی او در شام و جبل عامل حضور داشت استعمار فرانسه نتوانست میان شیعه و سنی اختلاف ایجاد کند.

روی جلد رساله عملیه عربی و کتاب منهاج الصالحین و بعضی دیگر از آثار علمی و فقهی مرحوم آیت الله خویی عنوان «مرجع المسلمین» نوشته شده است. پس از تحقیق و مطالعه نگارنده، معلوم شد در عراق برادران اهل سنت در مسائل شرعی به آن فقیه بزرگ مراجعه می‌کردند و ایشان در واقع مرجع مسلمانان و مورد اعتماد همه - اعم از شیعه و سنی - بود. از آیت الله شیخ مسلم ملکوتی سرابی (متوفای ۱۳۹۳ش) که از اساتید سطوح عالی و خارج فقه، اصول و فلسفه حوزه نجف به شمار می‌آید شنیدم که می‌فرمود: سالی که به سفر حج مشرف می‌شدم، یک سالی دو نفر از برادران اهل سنت - که از اطراف یکی از شهرهای آذربایجان بودند - در کاروان ما حضور داشتند و با ما همسفر بودند. خودشان را معرفی کردند و گفتند که شافعی مذهب هستند! آقای ملکوتی می‌فرمود: وقتی به مکه رسیدیم، بلافاصله

به کتابفروشی‌ها سر زدم و خیلی گشتم و در نهایت و با زحمت فراوان، کتاب مناسک حج، مطابق با مذهب شافعی را پیدا کردم و خریدم و بر طبق فتوای شافعی، اعمال حج را به آنها آموزش دادم و آنها طبق فتوای مذهب خودشان، مناسک حج را انجام دادند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد فقهای فریقین در صدر اسلام و در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و حتی آغاز دوران غیبت کبرا با وجود اختلاف در برخی مسائل و فروع در کنار هم بودند، استاد و شاگرد هم می‌شدند و از هم اجازه نقل حدیث می‌گرفتند. هدف اصلی آنها از اخذ اجازه حدیث این بود که می‌خواستند خودشان را به طرق مختلف و موثق در سلسله ناقلان حدیث قرار بدهند و خود را از این طریق به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منتهی و وصل کنند که لازمه این اقدام، وثاقت و اعتماد طرفین به هم بود و ناخواسته و به طور طبیعی منتهی به اتحاد و تقریب میان مذاهب می‌شد و از ابعاد و گستره اختلافات می‌کاست و یکی از اولویتهای جهان اسلام را محقق می‌ساخت.

متأسفانه هر چقدر از آن دوران فاصله گرفته شد به همان اندازه نیز از هم جدا شدند و دور ماندند. در این میان شیاطین، خناسان و دشمنان مشترک طرفین از این نقطه ضعف بهره‌برداری بهینه کردند و آنچه نباید می‌شد مرتکب شدند و پیکر امت واحد اسلامی را چند پاره، مجروح و مصدوم ساختند و پیروان مذاهب را پراکنده و سردرگم کردند. در عین حال به رغم این تلاش‌های مغرضانه، علما و فقهای فریقین از پای نشستند، و به صورت کم‌رنگ و ضعیف تلاش‌های تقریبی را ادامه دادند و پی گرفتند و این اصل مسلم اسلامی را به دست ما سپردند. در این میان، نقش حیاتی علما و فقهای عتبات عالیات بر کسی پوشیده نیست که نمونه‌هایی از فعالیت‌های تقریبی آنها را در مقاله ملاحظه کردیم.

امروز بر امت اسلامی و در رأس همه بر علما، فقها و اندیشمندان اسلامی و شیعی لازم و واجب است به سیره و سنت سلف صالح خویش همچنان پایبند باشند و این حلقه ارتباطی را هرچه گسترده‌تر و قوی‌تر کنند.

منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق). الذریعة الى تصانیف الشيعة، بیروت، دارالاضواء.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ق). لسان المیزان، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ق). معالم العلماء، مقدمه بحر العلوم، چاپ اول، نجف، مطبعة حیدریه.
۴. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق). اعیان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۵. جعفری، محمد مهدی (۱۳۷۵ش). سید رضی، تهران، طرح نو.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳ش). گلشن ابرار، چاپ اول، قم، پژوهشکده باقرالعلوم.
۷. حکیم، سید منذر و جمعی از محققان (۱۴۲۲ق). اعلام الهدایة، چاپ اول، المجمع العالمی لاهل البيت.
۸. سماعی حائری، محمد (۱۴۱۴ق). الاجازات الکبيرة، چاپ اول، اشرف سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۹. سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۹۷ق). دایرة المعارف العثمانية.
۱۰. صدر، سید حسن (۱۳۷۵ش). تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، بی جا، اعلمی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (بی تا). ترجمه من لایحضره الفقیه، مترجمان: علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق.
۱۲. عقیف البعکی (۱۹۶۹م). مختصر تاریخ العرب، بیروت، حزیران.
۱۳. قمی، شیخ عباس (بی تا). سفینه البحار، بی نا.
۱۴. _____، (بی تا). فواید الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، بی نا.
۱۵. کتاب شیعه (۱۳۹۲ش). «دوفصلنامه تخصصی مؤسسه کتابشناسی شیعه»، شماره ۷-۸.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (بی تا). بحار الانوار، بیروت، احیاء التراث العربی.
۱۷. مدرس تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۷۴ش). ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب، چاپ چهارم، بی جا، خیام.

۱۸. مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۹۰ش). مرجع میراثبان، چاپ اول، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
۱۹. _____، (۱۴۱۶ق)، المسلسلات فی الاجازات، قم، کتابخانه مرعشی.

